**جلسه ششم**

دکتر بیگدلی:

 عرض سلام و ادب دارم خدمت شما شنوندگان عزیز و فرهیخته رادیو گفتگو. با ارائه برنامه دین و دولت در خدمت شما هستیم به روال هفته های گذشته؛ در هفته گذشته بحث مبسوطی هر دو بزرگوار ارائه دادند و قرار بر این شد که گفتگوی این بحث رو اين هفته در خدمت شما باشیم؛ آقای دکتر زیباکلام می خوايد از حضرت عالی آغاز بکنیم با یک خلاصه ای که گذشت و انتقاداتتون به عنوان شروع گفتگو.

دکتر زیباکلام:

 با نام و یاد حضرت حق و با عرض سلام و ادب خدمت شنوندگان عزیزیمون. با عرض سلام و ادب خدمت استاد عزیزم جناب آقای دکتر غلامی و همچنین حضرت آقای دکتر بیگدلی.

آقای دکتر غلامی، اساس حرفشون جلسه پيش این بودش که من معتقد بودم مردم بنابر دلایل تاریخی اجتماعی و جامعه شناختی رفتند به دنبال امام در دوران انقلاب. ایشون حالا نه اینکه رد بکنه مطالب من رو، ولی حرف اساسیش این بود که نه آقا جون، ایشون از جایگاه مرجع تقلید، مجتهد واجب الاطاعه و مجتهد جامع الشرائط بود که مردم رفتند به دنبالش ... و من یادداشت کردم که ایشون گفته بودند آقا سال 41 نوشته بود: تمثال حضرت آیت الله مرجع تقلید خمینی ... اینا ... ببینید من می خوام يه مقداری راجع به این بحث صحبت کنم که آقای دکتر غلامی عزیز! اون مردمی که شما میگین رفتن به دنبال مرحوم امام، اون مردم به دنبال مرحوم آیت الله طالقانی هم رفتند، به دنبال مرحوم آیت الله منتظری هم رفتند، به دنبال مرحوم دکتر محمد مصدق هم رفتند، به دنبال مرحوم آیت الله کاشانی هم رفتند، به دنبال نهضت آزادی هم رفتند و آقای دکتر غلامی هر کس که علم مبارزه رو برداشت، هر کس علم مبارزه رو بر علیه شاه برداشت، مردم رفتند به دنبالش .... مردم اونو تأییدش کردند؛ و این فقط منحصر و محدود به امام خمینی نبود. اگر امام خمینی شد امام خمینی آقای دکتر غلامی بخاطر این نبود که مجتهد جامع الشرائط بود، حضرت آیت الله خوانساری هم بود، حضرت آیت الله شریعتمداری هم بود، حضرت آیت الله خوئی هم بود، حضرت آیت الله بروجردی هم بود؛ خیلی های دیگر هم مرجع تقلید بودند. اما چرا نشدند خمینی؟ برای اینکه خمینی رفت به دنبال مبارزه علیه رژیم شاه...

دكتر بيگدلي:

يعني مرجعيت ديني بود ولي اصالتا اينكه چرا مذدم اومدند، اين بود كه رهبري قيام را بر عهده داشت.

دكتر زيباكلام:

 آفرين، آفرين، بله. اين نكته مهمي است چرا؟ براي اينكه مردم رژیم شاه رو قبول نداشتند و آقای دکتر غلامی به این دلیل نبود که نمی خواستند که این رژیم پا رو اسلام گذاشته، می خواد خلاف اسلام عمل بکنه، نه! مردم این حکومت رو نمی خواستند چون این حکومت استبدادی بود، چون این حکومت دیکتاتوری بود، ببینید آقای دکتر غلامی، اصلاً بحث سر ولایت فقیه نیست؛ بحث اصلاً سر دین و دولت نیست، بحث سر این هستش که مردم ایران ... (ما مجبوریم بحث ها رو هی یه سطح بیاریم پایین‌تر و اشکالی هم نداره چون سوالات مهمیه ...) آقای دکتر غلامی مردم ایران در سال 57 – 1356 چرا بر علیه رژیم شاه قیام کردند؟ چرا قیام کردند؟ چرا قبول نداشتند؟ چرا رژیم شاه رو نمی خواستند؟ ببینید من فکر می کنم ما سر این بدیهیات، سر این نکات اولیه، گیر كردیم، موندیم. به همون دلیلی که، یعنی دلیل این که مردم رژیم شاه رو نمی خواستند، ما رو هدایت می کنه به این که چرا امام تونست در بین قلوب مردم جا بکنه، وگرنه همون موقع که مردم تصویر امام رو در سال 56-57 گرفته بودند و حرکت می کردند، همون موقع مگه فقط ایشون مرجع تقلید بود؟! بودند علما و فقهایی که علمشون از ایشون بالاتر بود؛ نبود؟!

نمی تونیم بگیم نه ... آقای خوئی من فکر نمی کنم علم و فقاهتشون کمتر از .... ولی چرا نگفتند که «خوئی خوئی قلب ما باند فرودگاه توست» چرا؟ برای این که مرحوم آیت الله خوئی بعنوان کسی که علیه یک حکومت خودکامه، علیه یک حکومتی که مردم نمی خواستن، نایستاد، نه ایشون ایستاد نه آقایون علماء و مراجع دیگر. هر کس دیگری که برابر شاه ایستاد، در مقابل شاه ایستاد، شد قهرمان. شد بت. پس شما باید برگردی به این بپردازی که چرا مردم، مشکل مردم با رژیم شاه چی بود؟ چرا رژیم شاه رو نمی خواستند؟

دکتر بیگدلی:

 بسیار خوب آقای غلامی. فکر می کنم روشنه دیگه ....

دکتر غلامی:

 بسم الله الرحمن الرحیم. سلام عرض می کنم خدمت شما و آقای دکتر و همة بزرگوارانی که زحمت می‌کشند برای تهیة این برنامه و شنوندگان محترم ....

فرمودند که آقای طالقانی هم قیام کردند، آقای منتظری هم قیام کردند؛ این ها همه تابع امام بود؛ یعنی آیت الله منتظری، آیت الله طالقانی قیامی مستقل از امام نکرده بودند که، این ها تابع امام بودند؛ لذا اصلاً قیام های اینها مستقلاً در عرض امام قابل تحلیل نیست.

چرا مردم دنبال آیت الله خوانساری، آیت الله شریعتمداری، آیت اله خوئی نرفتند؟ چون اون ها اصلاً قیام نکردد. من مگر گفتم مردم فقط دیدند امام تو خونه اش نشسته، مرجعه، رفتند گفتند بیا انقلاب بکنیم؟! من این رو گفتم؟! من عرض کردم امام حرکتی رو آغاز کرد – می گم شعارش هم چی بود در آغاز حکومت – مردم چرا به او پاسخ دادند؟ چون مردم حرف اون رو پسندیدند. حرفی که او زد چی بود؟ خواهم گفت.

تو جریان – من این رو نمی خوام بگم، مثال می خوام عرض کنم؛ چون احتمالاً ما اختلاف نظر داریم – مرحوم آیت الله کاشانی و دکتر مصدق اگر دکتر مصدق موفق شد، اون تعداد موفقیتش مرهون پشتیبانی آیت الله کاشانی بود – البته احساس می کنم آقای دکتر نظرشون خلاف نظر بنده باشد؛ شنیدم تو مناظره ای غیر از این گفتند، نمی دونم، محل بحث ما هم نیست – و جایی هم که دکتر مصدق حمایت آیت الله کاشانی رو، وگرنه اگر کفن پوشان آیت الله کاشانی نبودند، کار دکتر مصدق به جایی نمی رسید؛ و اون جایی که آیت الله کاشانی رو از دست داد و حمایت ایشون رو -كه مردم حرف او رو نه به عنوان حرف یک رهبر سیاسی بلکه یک رهبر دینی می دونستند و می گفتند اگر کفن بپوشیم با او بیاییم که کشته بشیم، شهید در راه خدا هستیم- دکتر مصدق خورد زمین. تمام ...

اما از اینجا آغاز کنم، امام سال 40 که شروع مي کنه ... اول که می دونین مکاتبات محترمانه ای با شاه می کنه، اما چون شاه دماغش خیلی باد داره؛ اون موقع که خلاصه آیت الله بروجردی از دنیا رفته و به آیت الله سید محسن حکیم هم پیام تسلیت داده، الان دیگه وقت شترکشونشه؛ لذا تحویل نمی گیره امام رو. شنیدم حالا نمی دونم که کجا خوندم که آقا همون ابتدا – حالا آقای دکتر اگر این اشتباهه بگن – شاه گویا به هویدا میگه که کیه این آقای خمینی؟ - به هویدا یا کس دیگه – میگه که یادته رفتیم قم فلان جا وارد شدیم، نشسته بودند علماء؟ یادته؟ میگه آره. میگه یادته همه بلند شدند؟ میگه آره. ميگه اوني که بلند نشد اون آقای خمینیه. بعد شاه میگه آهان یادمه اون کیه. اصلاً محاسبه نمی کرد شاه قدرت امام رو. امام میکروفون جلوش قرار میگیره چی میگه؟ آقای دکتر میگن بدیهیه. دقیقاً آره بدیهیه؛ چون این بارها از تلویزیون پخش شده. امام میگه، ای حوزة علمیة قم اعلام خطر می کنم، ای حوزه علمیة مشهد، حوزه علمیة اصفهان .... در مورد چی اعلام خطر می کنه؟ امام چی می گه؟ اسلام؛ تموم. امام شعارش اسلامه. مردم دور امامی جمع می شن که برای اسلام می خواد انقلاب بکنه، نه برای چیز دیگری. آقا استبدادستیزی چی میشه؟ یه دقیقه صبر کن! اگر بپذیریم که شعار اسلام امام کامله، اسلام هم استبداد ستیزه؛ لذا آزادی میده، هم استعمار ستیزه؛ لذا استقلال میده، هم دنبال جایگاه مردمه؛ جمهوری میده، هم دنبال احکام الهیه؛ اسلام میده.

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، همش از اسلام درمیاد. امام پیامش رو با اسلام شروع می کنه. آقا مردم حکومت شاه رو نمی خواستند لذا اومدند با امام. من سوال می کنم مردم سال 55 مردم حکومت شاه رو می‌خواستن یا نه؟ نه؛ 56 می خواستن؟ نه؛ فروردین 56؟ نمي خواستن؛ مرداد 56؟ نميخواستن؛چرا از شهريور و مهر 56 شروع میشه؟ چون به امام توهين مي شه و پسر امام شهيد مي شه و نمی ذارن تو ختم پسر امام کسی شرکت بکنه؛ باز امام موضوعیت داره. امامی که وجه بارزش چیه؟ وجه بارزش اسلامه.

قشنگ شعار، شعار اسلامه؛ من دارم به اجمال میگم به تفصیل مدعی این نیستم که و نمی تونم هم باشم که مردم به تک تک اجزاء ولایت فقیه علم داشتند؛ شعار مردم اسلامه، لذا وفتی که به نماد اسلام که امامه توهین می شه، سر و صدا می کنن.

دکتر زیباکلام:

 آقای دکتر بیگدلی فقط یک جمله: کل انقلاب اسلامی رو ایشون داره تحریف می کنه؛ دیگه ام جمله ديگه اي ندارم. کل انقلاب اسلامی رو داره تحریف می کنه.

دکتر غلامی:

 من خيلي از این دست جملات نغز و اينا ندارم، چون معمولاً بر اساس اون چیزی که واقعیته بحث می کنم و سندش رو ارائه می کنم، حالا شاید در تحلیل ما با هم تفاوت سلیقه داشته باشیم؛ من به این شدت بحث نمی‌کنم.

دکتر بیگدلی:

 من دوباره برای شنوندگان تقریر بکنم؛ آقای دکتر زیباکلام محور انقلاب اسلامی استکبار ستیزی و نفی استبداده، آقای دکتر غلامی میگن محوریتش اسلامه که داخلش هم این ها هست.

دکتر غلامی:

 که تو اون اسلام، امام اولین شعاری که میده شاهه، چون شاه می خواد اسلام رو از بین ببره؛ یعنی ببینید میگه اسلام که اون اسلام، استبدادستیزی رو اولین هدف خودش قرار میده. چرا؟ چون الان یه حاکم مستبد سر کاره. امام حسین (علیه‌السلام) هم وقتی حرکت می کنه میگه کل اسلام اما اول میره سراغ یزید ... اول میره سراغ اون کسی که می خواد اصل اسلام رو بزنه؛ یعنی هیچ منافاتی بین استبداد و استعمارستیزی و اسلام نیستا ... بعد اون طرف هم آیت الله شریعتمداری بودند، آیت الله گلپایگانی بودند، همه بزرگوارند، همه محترم اند؛ اما سال 40 هیچ کدوم قیام نكردند. و باز اگر که این قطعیت تاریخی اسمش تحریف گذاشته نشه، وقتی امام رو دستگیر می‌کنند، آیت الله مرعشی میره خدمت امام – این هم فیلمش نشون داده شده – آیت الله مرعشی وقتی از پیش امام میان بیرون، میگن آقا به من گفتن که کسی برای کار من پیش شاه نره و بعد اینجا می فرمایند که هیچ کدوم از ما جرأت ایشون رو نداریم. هیچ کدوم از ما این شجاعتی که ایشون داره رو نداریم. بله خودشون دارن اقرار میکنن. آقا این همه مراجع بودند مردم چرا سراغ اونا نرفتن؟ اون ها این علم رو بلند نکردند. این علم رو امام از روز اول با حرفایی که با محوریت دین آغاز میکنه، از اون محور دین استبدادستیزی و استعمارستیزی درمیاد. این اتفاقی است که در انقلاب اسلامی افتاد. به همین خاطر جایگاه مردم هم ذیل اون شعار اسلام معنا میشه که امام تو کتاباش هم قبلش گفته، هم بعدش میگه که مردم حکم بازو رو دارند.

دکتر بیگدلی:

 یعنی در این نظر که شما دارید می گید مردم بیشتر به مثابه همین بازو فکر می کنم خیلی خوبه، یعنی جایگاه مردم جایگاه در واقع مشروعیتی نیست بیشتر مقبولیت و اعمال اون ولایت و حاکمیته ...

دکتر غلامی:

 همین؛ مردم نباشند فقیه از دستش کاری برنمی یاد. میگم نمونه خود امامه دیگه. امام سال 43 کاری از دستش برنمیاد، 50 برنمیاد، 56 برنمیاد، 57 برمیاد.

دکتر بیگدلی:

 ولی امام معتقده که من مشروعیت برای حکومت دارم منتها این مردم باشند، می تونن اعمال بکنن، نباشند نمی تونن اعمال بکنن؛ وظیفة مردم هم اینه که شرعاً بیاند. اگر هم نیاند همه میرن جهنم ولو اینکه 100% باشند.

دکتر غلامی:

 بله.

دکتر زیبا کلام:

 آقای دیکتر بیگدلی، ببینید ... من به آقای دکتر غلامی هشدار می دم، زنهار میدم که داره وارد حوزه هایی میشه که دیگه نمی تونه به من بگه که آقا من رفتم تو اون کتاب میرزای قمی، فلان و بهمان اینا ...

دکتر غلامی:

 آقاي دكتر! اون میرزای قمی رو ول کنید بابا! (خندة اساتید)

دکتر زیباکلام:

 اواخر دی 1357؛ تحصن معروف اساتید دانشگاه که در طبقه پنجم دانشگاه تهران، اساتید – روحانیون رو نمی گم – که بعد منجر به تیراندازی شد، وزارت علوم هم یه عده رفتند و مرحوم مهندس کامران نجات اللهی شهید شد و ... اون تموم شد و قرار شد که خود اساتید؛ مرحوم آیت الله طالقانی، عده ای از اساتید متحصن رفتند خدمت ایشون که آقا چی کار بکنیم؟ ایشون گفت: خودتون برید دانشگاه رو باز بکنید. شما متحصن شدید که دولت بیاد دانشگاه ها رو باز بکنه؟! دولت کیه؟! شما بريد دانشگاه رو باز بکنید. اساتید رفتند دانشگاه رو اعلام کردند که باز بشه و برای اولین بار بعد از راهپیمایی معروف تاسوعا و عاشورا، میلیون ها نفر راه افتادند اومدند به سمت دانشگاه تهران، اون روزی که قرار بود دانشگاه تهران بازگشایی بشه. – دی ماه 57 قبل از انقلاب – آقای دکتر غلامی می فرمایند که مردم تا وقتی که آیت الله کاشانی حامی دکتر مصدق بودند، اینا مردم از مصدق پشتیبانی کردند. زمانی که دکتر مصدق حمایت آیت الله کاشانی رو از دست داد، مردم هم دیگه حمایتشون از دست رفت. من نمی دونم آقای دکتر غلامی تو اون دی 57 چند سالش بود – ولی شنوندگان عزیز همین جوری که نگاه می کنم بعید به نظرم برسه که ایشون سی و چند سالش بیشتر باشه ! – اگر بودند می دیدند که اون جمعیت میلیونی که راه افتاد در دی ماه 57 اومد به سمت دانشگاه نهران، 3 تا تصویر بزرگ بود، تصویر 2 متر در 3 متر حالا ... 1 متر در 2 متر، تصویر خیلی بزرگ ... یکی امام بود در دست مردم، دومیش مرحوم طالقانی بود در دست مردم. سومیش تصویر مرحوم دکتر محمد مصدق بود ... محض اطلاع آقای دکتر غلامی نه اون روز، نه در هیچ یک از روزهای دوران انقلاب ما نه تصویر کوچک آیت الله کاشانی رو دیدیم در دست مردم، نه تصویر بزرگ آیت الله کاشانی رو دیدیم دست مردم. نه اسمی از مرحوم آیت الله کاشانی شنیدیم از مردم در دوران انقلاب؛ بحث رو اگر اساسی تر بخواهیم مطرح بکنیم، ایشون می فرمایند که – خلاصه حرف ایشون هست که - کسانی دیگر هم بودند که علیه رژیم شاه مبارزه می کردند، اما محور شد امام برای اینکه امام مسأله رو مطرح کردند و مردم همه اومدند رفتند به سمت ایشون .. اینجا بود که من گفتم که ایشون داره انقلاب اسلامی روتحریف می کنه! برای اینکه با همون منطق که ایشون می گه که مردم بخاطر اسلام، مردم ایران برای چی انقلاب کردند؟ خیلی هاشون ممکنه جوون باشند، ندونند که سال 57 چی شده؟ ندونند سال 56 چی شده؟

ولی اگر به مسائل سیاسی علاقه مندند، که علاقه مند هستند، که نشسته اند دارند به این مطالب گوش میدن، خیلی هاشون شاهد اون چه که در جهان عرب داره اتفاق می افته هستند، اون چه که در مصر، در تونس، در مراکش، در لیبی، در سوریه، در بحرین داره اتفاق می افته هستند؛ ببینید اینجا هم شنوندگان عزیز دعوا است. چرا؟ برای اینکه جمهوری اسلامی ایران، آقای دکتر غلامی و تلویزیون جمهوری اسلامی و مسئولین جمهوری اسلامی ایران و رهبران جمهوری اسلامی ایران می گویند که «بیداری اسلامی» و فردی هم به اسم صادق زیبا کلام نمی گوید بیداری اسلامی و می گوید اصلاً ربطی به اسلام نداره، بیداری اسلامی نیست.... «بهار عرب»

دکتر بیگدلی:

 البته بعضی از مسئولین بیداری انسانی هم بکار بردند ...

دکتر زیباکلام:

 نه اون انسانی هم قلابیه. اما من می گویم که «بهار عرب»، «جنبش دموکراسی خواهی». ببنید ما اینجا هم این دعوا رو داریم. مردم چرا حسنی مبارک رو نمی خواستند؟ چرا سرهنگ قذافی را نمی خواستند؟ مردم بشار اشد را چرا نمی خوان؟ مردم چرا آل خلیفه در بحرین رو نمی خوان؟ پاسخ سوال، پاسخ دکتر غلامی: مرم اسلام رو می خواهند ... پاسخ زیباکلام: مردم آزادی می خوان ... مرم دموکراسی می خوان ... مردم آزادی بیان می خوان ... برای اینه که این حکومتها رو نمی خوان .... ببینید حالا برگردیم به 33 سال قبل. سوال! مردم ایران چرا علیه رژیم شاه قیام کردند؟ از آقای دکتر غلامی: برای اینکه رژیم شاه پشت کرده بود به اسلام ... برای این که رژیم شاه اسلام رو گذاشته بود زیر پاش ... داشت له و لورده می کرد و اسلام داشت از بین می رفت و از سال 39، 40 شروع کرد اسلام رو از بین بردن و مردم قیام کردند و طبیعی هم هستش که چون اسلام می خواستند، می‌خواستند اسلام رو نجات بدن، رفتند به دنبال یه رهبری دینی ...

دکتر بیگدلی:

 ببخشید آقا من یه سوال مشترکی بپرسم. ببینید می خواهیم یک واقعیت بیرونی رو توصیف کنیم؛ یعنی بگیم که یه عده ای از مردم ما چه می خواستند؟ این ملاک .... من از روش بپرسم اول. این ملاکی داره که ما طبق اون ملاک و روش بحث بکنیم ...

دکتر غلامی:

 الان نوبت منه؟ بسیار خوب... من در بهترین حالت یک انقلاب رو تحریف کردم، آقای دکتر زیباکلام یک گروه انقلاب رو...

دكتر زيباكلام:

 يه گوني انقلاب رو تحريف كردم...!

دكتر غلامي:

 یک گوني انقلاب رو تحریف کردند. عرضم چيه؟

دكتر بيگدلي:

 من مي خواستم بگم اينكه بخوايم بدونيم اين مردم چي مي خوان بگن رو چه جوري بايد بفهميم؟

دكتر زيباكلام:

من جواب شما رو ميدم، من گرفتم، جواب سوالتو ميدم، الان نه،بذار آقاي دكتر غلامي صحبت كنه بعد. من امشب خيلي باادب شدم، بذار دكتر غلامي صحبت كنه بعد من جواب شما رو مي دم.

دكتر غلامي:

ضمن اينكه دعا مي كنيم براي سلامتي آقاي دكتر زيباكلام كه به هر صورت خودشونو نفرين كردن و گفتن كه لال شي و فلان و... دور از جون ايشون...

دكتر بيگدلي:

خيلي هم قرص مي خورن آقاي دكتر، من نگران سلامتيشون شدم...

دكتر غلامي:

اينا قرصاي دوپينگيه براي مناظره! بديد يه دو تا هم ما بخوريم! عرض کنم که ببینید اول اینکه از همون ابتدا شروع کنم. آقا عکس دکتر مصدق بود. حالا تو کل انقلاب چند جا عکس دکتر مصدق رو آوردند که آوردند. چرا عکس آیت الله کاشانی رو نياوردند؟ بخاطر اینکه آیت الله کاشانی بعد از خودش نحله ای ... هر چی آیت الله کاشانی می گفت که کامل ترش رو امام می گفت ... اما دکتر مصدق یه نگاه ملی مذهبی داشت در مقابل آیت الله کاشانی که این نگاه مونده بود تا زمان امام؛ لذا موضوعیت داشت .... اما آیت الله کاشانی هر چی در اصل در مورد اسلام گفت، امام کامل ترش رو گفته بود، ديگه ضرورت نداشت؛ چون که صد آمد نود هم پیش ماست ....چرا مصدق بود، كاشاني نبود؟ به اين دليل. اما اینکه خود دکتر مصدق چقدر در انقلاب ما موضوعیت داشت؟ تعداد ملی مذهبی ها رو کسی بعد انقلاب ببینه، معلوم میشه وزن دکتر مصدق چقدر بود. در عین حال که من نمی خوام هر کاری ایشون کرده رو تکذیب بکنم.

يه پرانتز كوچولو: آقا مردم آل خلیفه رو نمی خوان، بشار اسد رو نمی خوان... این قیاس مع الفارقه. آقا اگر مردم ملاک اند، تظاهرات مردم سوریه معلوم میکنه که مردم سوریه بشار اسد رو می خوان یا نمی خوان؟ مقایسه انقلاب سوریه، حرکتی که مردم در سوریه دارند می کنند با بقیه انقلاب ها در منطقه، قیاس مع الفارقه. چون هیچ کشوری اینجوری مسلحانه و سازمان یافته از چند تا کشور حمایت نشد و جالبه که اتحادیه عرب، چه گیری داده، برن ناظران ببینن، ناظرا نرفتن، میگه باید نظامی بشه .... کاملاً معلومه که این قیاس، قیاس خوبی نیست اما آقا ما چقدر دعوا می کنیم؟ می فرماین مردم آزادی می خواستن، مردم حکمیت قانون می خواستن، مردم آزادی اندیشه می خواستن، آقای دکتر زیباکلام عزیز چرا 10 تا گزاره رو نام می برید؟! بگید مردم اسلام می خواستند. اینها همه یعنی اسلام. اسلام یعنی آزادی اندیشه، یعنی آزادی عمل، یعنی حاکمیت قانون، یعنی پاسخگویی حاکم؛ اسلام می خواستند یعنی همه این ها رو با هم دیگه می خواستند. شما چرا جزء جزء میگید؟! من چند دفعه تأکید کنم که امام اگر می گفت اسلام، همین که گفت اسلام، باید بگه استبدادستیزی چون لازمه اسلام نفی استبداده ... همین که گفت اسلام باید بگه استعمارسیتزی .. لازمه اسلام نفی استعماره. خب اینکه مردم آقا مردم شعارشون الله اکبره، از مسجد شروع میشه ... از نماز جمعه آغاز می کنن. همین که تو تونس پیروز می شن اولین کاری که میکنن، حجاب تو دانشگاه ها راه می اندازند، نماز جمعه رو جدی میکنن؛ از منابر اذان پخش می شه ... اسلام گراها تو 2تا کشور که تا حالا انتخابات شده رأی میارند، این ها هیچ کدوم علامت اسلام خواهی مردم نیست؟! دیگه آفتاب آمد دلیل آفتاب ... دیگه از این واضح تر مردم بگن ما اسلام می‌خواهیم؟ بعد ما بگیم بیداری اسلامی نیست؟!

دکتر بیگدلی:

 من یه نکته ای بگم. ظاهراً البته اینجا چون نتایج دموکراسی خواهی با نتایج اسلام خواهی با هم منطبق شده، الان شاید خیلی در انقلاب اسلامی همین اتفاق افتاده، یعنی مردم دموکراسی می خواهند اسلام را هم می‌خواهند؛ اما حداقل قرائتشون اون موقع از اسلام ایناست که این دموکراسی بهشون میده یا قرائتشون از دموکراسی اینه که با اسلام ....

دکتر غلامی:

 من میگم مردم میگن شاه را نمی خواهیم؛ آزادی می خواهیم. این دخالت آمریکا و اسرائیل رو نمی خواهیم، استقلال می خواهیم. اون طرف عدالت می خواهیم، سیستم قضایی و الی آخر ... این رو می خواهیم. این رو می خواهیم ... امام میگه اسلام؛ طرف نگاه می کنه بلاتشبیه، می بینه یک منوئه؛ روش هر چی گفته کامل ترش هست؛ از این شعار تبعیت می کنه. من میگم امام با اسلام آغاز کرد، نمی گم که امام گفت، مردم منظور من فقط انقلاب می کنیم برای ولایت مطلقه شخص روح الله الموسوی الخمینی؛ امام این رو نگفت. اینم نمی خواست بگه، ولی لازمه این که مردم به اون ها برسند، ولایت مطلقه اش بود. عرض من اینه امام با شعار اسلام اومد، تمام این حرفا تو اسلام هست، همه اش تو اسلامه. لذا تأکید می کنم بر همین نگاه دقيق خودم که مظلومانه متهم شد به تحریف که امام با شعار اسلام اومد، اما شعار اسلام تمام نیازهای مردم درش هست.

دکتر بیگدلی:

 اقای دکتر به شرط اینکه تفصیل نگید، بگید.

دکتر زیباکلام:

 چشم. ببینید آقای... یه سوالی شما کردید؛ گفتید که آقای زیباکلام، آقای دکتر غلامی، اینکه شما می‌گویید که مردم اینو می خواستند از نظر جامعه شناسی شاخصه هایی که مردم این رو می خواستن؛ من بیگدلی او زمان، یا یه بچه خردسال بودم. از کجا بفهمم که مردم واقعاً از میدان انقلاب تو راهپیمایی جمع شدند یک میلیون مردم چی می خواستند؟ من خدمت شما عرض می کنم که شاخصه های من چی است؟ یکی شعارها و خواسته هایی که در راهپیمایی ها برگزار می شد، بعد از راهپیمایی ها الانم هست که یک قطعنامه قرائت میشه و مردم با تکبیر و با بردن مچ دست به بالا تأکید می کردند؛ اینا مثلاً تو مسجد، مساجد بزرگ وقتی سخنرانی می شد، اینا تو ماه رمضون 57 و تا حدودی سال 56، فردی روحانی حالا اگه انقلابی بود و مبارز و اینا بالای منبر، مثلاً یه سری خواسته هایی رو می گفت ما این ها رو می خوایم، اونایی که در مسجد جمع شده بودند، تو کوچه جمع شده بودند، می گفتند: صحیح است، صحیح است، صحیح است؛

دکتر بیگدلی:

 پس آقای دکتر یکی شعارها و بیانیه ها...

دکتر زیباکلام:

 ببینید شما قطعنامه ها رو که نگاه می کنید، بیانیه ها رو که نگاه می کنید، میگن که بازگشت تمام تبعیدی ها از خارج از کشور به داخل کشور و در رأس همشون مرجع عالیقدر تشیع حضرت آیت الله الموسوی الخمینی، آزادی زندانیان سیاسی، لغو سانسور، ... ببینید اینا یک شاخصه است.

شاخصة دوم: رژیم محمدرضا پهلوی از جانب نهادها و سازمان هایی که امروزه ما در جمهوری اسلامی مرتب به این ها فحش میدیم و اینا رو مزدور و صهیونیسم و عامل آمریکا می نامیم، یعنی گروه ها و جمعیت ها و سازمان های بین المللی طرفدار حقوق بشر از جمله عفو بین الملل، از جمله وکلای مدافعین حقوق بشر و .... حسب گزارشاتی که این ها از حدوداً 51 و 52، در خصوص ایران نوشته بودند، رژیم ایران، کشور ایران، به عنوان بدترین رژیم از نظر حقوق بشر رکوردش هست و این دیگه مشخص بود؛ بالاترین رقم زندانیان سیاسی رو داره، کاربرد وسیع شکنجه علیه زندانیان سیاسیش و کسانی که زیر شکنجه کشته شدند؛ اسم آدم ها بود، یه موقع من میگم یه عده زیر شکنجه کشته شدند، یه وقت هست من میگم حسن حسین زاده، تقی عباس زاده، محمد نجفی، الهه فلان، حسن فلان ... اینا زیر شکنجه کشته شدند، اسامی شون بود که زیر شکنجه کشته شدند. دو: یعنی حرفایی که سازمان های طرفدار مدافع بشر عنوان کردند. دو: 5000 زندانی سیاسی وجود داشتند در ایران، یعنی هیچ کشوری تو اون مقطع تاریخ رو شما پیدا نمی کنید این همه زندانی سیاسی داشته باشه. کشوری رو داشتید که 200 میلیون جمعیتش بود، 500 میلیون جمعیتش بود، حالا ما اون موقع مثلا جمعیتمون سی و خورده ای جمعیت بود – نصف الان - 5000 تا خیلی بالا بود. کیا بودند این ها من عرض می کنم خدمتتون؛ 70-80% شون دانشجو بودند؛ قشر دانشجو بودند، بعد نویسندگان بودند، بعد طلاب و روحانیون بودند، شماری از بازاریا بودند. یعنی شما به خود همین این نگاه بکنید. شما مثلاً اون زمان به عربستان نگاه می کردید، به مصر نگاه می کردید، به کشورهای آمریکای لاتین نگاه می کردید که همشون نظام های میلیتاری فاشیست توتالیتر بودد، هیچ کدومشون این تعداد، حداکثر 40 تا حداکثر 50 تا، حداکثر 500 تا ... هیچ حکومتی رو شما پیدا نمی‌کنید که 5000 زندانی سیاسی می داشت. این 5000 زندانی سیاسی هستش؛ یعنی هر کسی که اینو بگه نه 5000 تا نبوده، دستش رو بده به من، با اسم، نام پدر، شماره شناسنامه، تاریخ تولد که تو زندان قصر بود، یا اوین بود، یا کمیته، یا تو زندان عادل آباد شیراز بود، یا تو مشهد بود، اینا هستن. یک روزنامه وجود نداشت که بالنسبه مستقل از حکومت باشه در سال 56، 57 ... یک حزب و تشکل سیاسی نبود که آزاد باشد و بالنسبه مستقل از حکومت باشد، نبود ... به نظر شما خیلی بعیده؟! خیلی ثقیله؟! غیر قابل تصوره که مردم این کشور به خصوص روشنفکرانش، به خصوص نویسندگانش به خصوص اونچه که در جامعه شناسی سیاسی بهش میگیم نخبگان سیاسیش، روحانیونش و ... به نظر شما خیلی ثقیله که مخالف این رژیم باشند؟! شما چند تا کشور، چند تا رژیم می شناسید که این ها سابقه‌شون مثل حکومت شاه باشد؛ از اون آمار زندانی سیاسی شون، اون آمار اختناق مطبوعاتیش، اون آمار آدمایی که زیر شکنجه کشته شدند، زندانی های سیاسیش؛ و مردمش مخالفش، مردمش اگر فرصتی رو پیدا می کنند، مرگ بر اون حکومت سر ندن! چند تا حکومت شما این جوری می شناسین؟! مگه در مصر چی شد؟ مگه در بشار اسد که ایشون این همه داره ازش دفاع می کنه چی شد؟ اون ها هم همینه. من نمی خوام راجع به سوریه بحث بکنم که .... ولی ببینید مردم ایران یک حکومت رو نمی خواستند، ابتدائاً ما باید این رو بررسی کنیم بعد بیینیم بگیم که نسبت مرحوم امام با این حکومت چه جوری میشه؟ تموم این ویژگی هایی که ایشون برمی شمره برای امام، همه اون ویژگی ها یک طرف، اینکه ایشون اومد این حکومت رو باهاش درافتاد یک طرف دیگه؛ خمینی اگر خمینی شد برای این بود که با این حکومت درافتاد فی الواقع؛ در قسمت قبلی عرائضم گفتم خیلی ها بودند از ایشون بالاتر بودند، سلسله مراتب قم ... بنابراین من اگه می‌گویم آقای دکتر بیگدلی، چرا مردم قیام کردند؟ چرا مردم علیه رژیم شاه برخاستند؟ به همین دلیلی که من انقدر قرص و محکم میگم ربطی به اسلام نداشت؛ مردم در سال 57 به این دلیل قیام نکردند، این دلیل علیه رژیم شاه نبودند که توی بعضی از خیابونها کافه – رستوران ها مشروب می فروختند، کاباره وجو داشت؛ این ها بود، خیلی ها هم از این ها دوست نداشتند این ها رو؛ ولی شما از اون 5000 زندانی سیاسی که تمامی شون اگه کارگر هم بودند، یه کارگر باسواد و تحصیلکرده بود، اگر طلبه بود از لحاظ درسی بهترین طلبه بود، فاضل ترین طلبه بود؛ ازشون می پرسیدی چرا نمی خواهین رژیم شاه رو، برای چی دارین علیه رژیم شاه مبارزه می کنید؟ دردتون چیه با رژیم شاه؟ به شما می گفتند واسه اینکه مشروب فروشی هست؟! واسه اینکه اسرائیلیها تو ایران اند؟! نه به شما می گفتند واسة این که آزادی نیست. برای این که استبداده، برای اینکه خفقانه .... اصلاً آفتاب آمد دلیل آفتاب. اصلاً خود این که 5000 آدم توی زندان هستند، این نشون میده که این حکومتی است که این رژیم برنمی تابد که مورد انتقاد قرار بگیره، برنمی تابد که مورد مخالفت قرار بگیره، هر کسی که باهاش مخالفت بکنه می اندازتش گوشه زندان ....

دکتر بیگدلی:

 بسیار خوب. آقای غلامی من خلاصه بگم .. آقای دکتر میگن چند تا شاخصه داریم: شعار و این ها ... و خود این که دولت استبدادیه و خود این دلالت بر این داره که مردم اولاً و بالذات آزادی می خوان ولو اینکه ثانیاً و بالعرض پاسخ این رو در اسلام پیدا کردند، اگر در کمونیسم پیدا می کردند، می رفتند کمونیست می شدند ...

دکتر غلامی:

 من 2 تا نکته بگم برم سراغ جواب؛ اول اینکه 2، 3 بار این نکته بیان شد که در زمان امام افرادی بودند که علمشون از امام بالاتر بود؛ به جهت علمی؛ چون بعضي وقتا برخي ويژگيهاي افراد تحت‌الشعاع ساير ويژگيهاشون قرار مي گيره... اون موقع که مرحوم سید محسن حکیم از دنیا می رن، شاگردان آیت الله خوئی راه می افتند امضا جمع کردن برای اثبات اعلمیت آیت الله خوئی؛ یعنی اعلمیت واحد که ایشون عالم تک مرجعيت است؛ اون موقع آیت الله سیستانی که به نوعی شاگرد خاص آیت الله خوئی اند و بعد از ایشون می بینیم که ایشون نماز خوندن بر پیکر آیت الله خوئی؛ وقتی میرن پیش آیت الله سیستانی میگن که امضا کنید اعلمیت آیت الله خوئی رو؛ ایشون می فرماین که من چطور تا آیت الله خمینی هستند، اعلام بکنم اعلمیت آیت الله خوئی رو؟ فقط همینطوری تو پرانتز به عنوان خاطره گفتم؛ در مقام مناقشه نبود.

نکته دوم در ارتباط با نهادهای بین المللی که می گفتند ما میگیم مزدورند و فلان ... بله كه مزدورند؛ این شورای حقوق بشر؛ این احمد شهید گزارشی که داده جالبه؛ فقط یه مثالش رو میگم اینم نکته است، باز محل مناقشه نیست؛ تو جریان خمینی شهر ما 4 نفر اعدام رو کردیم، چند تا حبس بلند مدت، بقیه رو هم داریم دستگیر می کنیم؛ تو گزارشش آورده که چون که این خانمها که بهشون تعرض شود، اینا حجاب نداشتند، جمهوری اسلامی گفته من این موضوع رو پیگیری نمی کنم؛ این اگه اسمش مزدور نیست چیه پس؟!اما بیام سراغ موضوع خودمون...

دکتر زیبا کلام:

 می خواستیم بهش اجازه بدیم بیاد ایران. آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است ... بهش پس چرا اجازه ندادیم بیاد ایران؟! میومد ایران این توهمات ... شما حتی نذاشتین بیاد ایران!

دکتر غلامی:

 آهان .... اونایی که اومدند چی نوشتند؟! بازرسای آژانس که اومدند می بینیم که چه اتفاقی داره برای دانشمندان هسته ای می افته! حالا این که می گن میذاشتین بیان یه خاطره بگم، فضا هم عوض شه. یه وقتی رضاخان تو پله های مجلس به مرحوم مدرس – خاطره رو با جرح و تعدیل دارم میگم – گفته بود چرا ما هر چی می گیم تو گیر میدی؟! چی می خوای؟ گفت می خوام تو نباشی. دعوای ما با غرب می خوام تو نباشیه. اینو امام توی صحیفیه گفتند؛ دعوای ما با غرب نه حقوق بشره، نه انرژی هسته ایه، دعوای ما دعوای تمدنیه، اونا می گن دنیا اون سمتی بره؛ ما می گیم این سمتی بره. این دعوا هم تمام شدنی نیست.

می گن مردم فقط دنبال آزادی بودند؛ من می گم مگه توده ای ها، کمونیست ها یا همون مجاهدین خلق این ها توی برخورد با نظام شاهنشاهی توآزادی خیلی از امام تندتر نبودند؟ همین گروه مسلحانه آقای عزت مطهری، همین که غرت شاهی اسمشون لقب گرفته، اینا که از امام تندتر بودند تو آزادی خواهی، چرا مردم سراغ این ها نرفتند؟ اگر مردم فقط دنبال آزادی بودند، اِن تا گروه دیگه هم مدعی آزادی بودند، و آزادی که اون ها می گفتند تیزتر از آزادی امام بود! مردم سراغ اونا نرفتند، مردم دنبال فقط آزادی نبودند.

شعارها، بیانیه ها، قطعنامه ها قطعاً شاخصه. من اینجا دعوایی ندارم، تعداد زندانیان سیاسی و آرایش تعدادی شون، این هم قطعاً مهمه، این که دولت، دولت استبدادی بود، این هم مهمه، قطعاً اختناق بود، قطعاً استبداد بود، اینکه اون ایام حالا گرچه ما کم سن و سال بودیم ولی خوب خاطراتشو می شنویم، همانطور که آقای دکتر در زمان صفویه نبودند، اما خوب مطالبشو میگن؛ خیلی عیبی نداره ما هم می گیم. اون موقع هم می‌گفتند که برادر به خواهر اعتماد نمی کرده که مبادا ساواکی باشه، یا مثلاً زن و شوهر نسبت به همدیگه! یعنی این بحث اختناق عجیب و غریب بوده که تو مدرسه تو جاهای دیگه. قطعاً استبداد بود اما مردم یه ملقمه ای رو می خواستند، اون ملقمه که آزادی تأکید می کنم جزء مهمتریناش بود. نمی دونم این عدم وابستگی اینجا جزو مهمتریناش بود، راحت صحبت کردن انتقاد کردن بود، اینها بود ولی همش اینا نبود، اگر همش اینا بود گروههای دیگر هم مدعی این حرفا بودن ولي کسی زیر علم اونا جمع نشد. مردم اینارو با هم می خواستند جمع اینا در اسلام بود. من اینجا خیلی دعوا ندارم، من می گم مردم زیر علمی جمع شدند که این حرفارو تو خودش داره. باز کوتاه گفتم که آقای دکتر هم قول بدن کوتاه کوتاه بگن.

دکتر بیگدلی:

 بسیار متشکر من فقط یه نکته ای بگم چقدر خوبه که محققین ما البته این کارها شده ولی سر و سامان بدن که 10 تا 15 شاخص مورد توافق بگذاریم و بریم در تاریخ واقعاً اسناد جمع بکنیم که بالاخره الان که ما هستیم و شما دیدید این هم دعوا هست یه 60، 70 سال دیگه یه مناقشه عظیمی بشه و این، بالاخره مردم در انقلاب اسلامی چه می خواستند؟

دکتر غلامی:

 تا اون موقع ان شاء الله ظهور میشه دیگه نیازی به این حرفا نیست.

دکتر زیباکلام:

5000 هزار نفر تو سوریه کشته شدند توسط آقاي رژیم بشار اسد، آقای دکتر غلامی میگن که: سوریه .... نمی دونم چي می گن.

دکتر غلامی:

 بذاریم یه باری 50000 تا که سر راست بشه!

دکتر زیبا کلام:

 ببینید به نظر من یه مقداری بحث پیچیده تر از این است که ما بگیم که مردم اسلام می خواستند و خوب به تبع آن ذیل آن آزادی هم می خواستند اینها .... نه! من نمی دونم حالا هفته پیش بود یا کی بود؟ یه سوالی کردم گفتم که ای کاش اون مردمی که جمع شده بودند در فاصله بین میدان انقلاب تا میدان آزادی سال 57 ای کاش از 50 نفر از 1000 نفرشون پرسیده می شدش که تو 5 خط بگین شما که دارین شعار استقلال آزادی جمهوری اسلامی می دید، یک: آیا این شعار رو قبول دارید؟ خوب بعد: شما حالا به ما بگید که این حکومت اسلامی، این جمهوری اسلامی که شما می گید می خواید چه جور حکومتی است؟ توصیف کنید.

اصلاً هیچ ربطی به امام پیدا نمی کنه از خود مردم بپرسیم که آقا این حکومت اسلامی که شما دارید شعارشو می دید بعداً هم تو 12 فروردین رفتید 5/98 درصدتون گفتید آری. این چه نوع نظامی هست و اینا؟ این اون چیزی بود که من دلم می خواست که اونا تو 5 خط می گفتند. ببینید آقای دکتر بیگدلی عزیز! آنچه که تو اون 5 خط و تو اون 10 خط می گفتند و شما اینا رو پروسس می گردید (process) یه عده از دانشجویان دانشگاه امام صادق رو جمع می کردید که آقا شاخصه هاشو دربیارید، اینا رو بخونید یکی یکی اون 5 خط 10 خط ها رو تحلیل محتوا بکنید، می دونید تهش چی در میاد؟ تهش در می آمد که این حکومت اسلامی این جمهوری اسلامی که به دنبالش هستیم و ان شاء الله بعد از حکومت شاه آن را ایجاد خواهیم کرد، تأسیس خواهیم کرد همه اون چیزی هست که رژیم شاه نیست! همه اون چیزی را با خودش خواهد آورد که رژیم شاه با خودش نیاورده و دریغ کرده بود، حکومت شاه چی رو دریغ کرده بود. آزادی مطبوعات رو. بنابراین حکومت اسلامی داره، حکومت شاه چی رو دریغ کرده بود؟!

دکتر بیگدلی:

 ببخشید آقای دکتر! اسلام رو هم دریغ کرده بود یعنی قبول دارید اسلام خواه هم بودند یا نه؟ البته من مفهوم اصالت و محور رو هم می فهمم ها!

دکتر زیبا کلام:

 ببینید مسأله اساسی و مهم به قول شما اولاً و بالذات، ذات سیاسی حکومت شاه بود. سلمنا که هیچ کس حکومت شاه رو به عنوان مظهر حکومت اسلامی و مظهر یک حکومت خدایی ابداً نمی شناخت. آدما حکومت شاه رو به عنوان یک حکومت سکولار یک حکومت غیر دینی به عنوان یک حکومت عرفی می شناختند. هم چنان که حکومت رضا شاه رو به این صفت می شناختند، اما ....

دکتر بیگدلی:

 آقای دکتر اگر بخواهیم مشابه آقای غلامي بگیم مردم آزادی می خواستند و توی اون آزادی می دیدند اسلام هم هست؟

دکتر زیبا کلام:

مردم مشکل سیاسی داشتند با حکومت شاه، مردم حکومت شاه رو نمی خواستند، نه به خاطر اینکه این حکومت اسلام رو زیر پا گذاشته بود، معتقدم اصلاً دعوای اسلام نبود، این نبودش که حکومت شاه اسلام رو به زیر پا گذاشته. این انگیزه مبارزه نبود فی الواقع؛ من حتی یه مرحله برم جلوتر بگم که سال 40-41 هم که امام قیام کردند، درسته که گفتند اسلام در خطر است، درسته که گفتند شاه می خواد تیشه به ریشه اسلام بزند، ولی معتقدم اینا رو می گفتند چون مسأله اساسی‌شون مبارزه سیاسی با رژیم شاه بود. اینها رو می گفتند که در حقیقت مردم رو تحریک بکنند، علماء رو یه مقداری به خود بیاورند، آخه چرا شما ....؟ دعوای اصلی مرحوم آیت اله خمینی (ره) در سال 40-41 با شاه، دعوای سیاسی بود و الا مگر شاه چه کار می خواست بکنه؟ و چکار کرده بود که اسلام به خطر بیفتد؟ اگر مقوله اصلاحات ارضی بود که خوب اون اصلاحات ارضی خود امام همون سال 41-42 گفتند که به ما می گن که ما مخالف زنان هستیم، آزادی زنان هستیم. چون شاه همون سال 41-42 حق رأی به زنان داده بود. حق طلاق به زنان داده بود، اصلاحات ارضی کرده بود. یعنی محض اطلاع شنوندگان، شاه زمین ملاکین و فئودال های بزرگ را گرفته بود و تقسیم کرده بود. به زارعین و رژیم شاه می گفتش که آیت الله خمینی و روحانیون دیگر به دلیل همین کارهای ترقی خواهانه ام هم هستش که علیه من هستند، چون من اصلاحات ارضی کردم، چون به زنان حق رأی دادم، امام چی می گفتند؟ امام می گفتند: که باور نکنید چیزهایی رو که مردانش حق رأی ندارند، نمی تونند رأی بدهند، حالا مثلاً شما می گید زنانش هم اینا... دعوا پس چیه؟ دعوا پس سیاسی هستش یعنی من معتقدم دقیقاً امام به همون دلایلی با رژیم شاه درافتادند سال 41-40 که سال 57 مردم اومدند و همون سال 40-41 اگر مردم می توانستند بریزند به خیابون و به گلوله نمی بستشون شاه، می گفتند: ما نمی خواهیم رژیم شاه رو ....به همون دلیلی در 30 تیر گفتند رژیم شاه رو نمی‌خوایم، به همون دلیلی که ببینید مردم ایران آقای دکتر بیگدلی راحت کنم، مردم ایران هرگاه که فرصت برایشان پیش می آمد از 28 مرداد سال 32 به این ور، حکومت شاه رو نمی خواستند و چهره هایی که با حکومت شاه مبارزه می‌کردند، چهره های محبوب بودند، چهره های مردمی بودند، چه اسلامگرا بودند، چه مسلمان بودند، چه مسلمان نمی بودند، احتمالاً زبونم لال اگر انقلاب اسلامی نشده بود و مثلاً انقلاب لائیک شده بود، الان نصف خیابان های ایران به اسم گلسرخي بود، نصف خیابان های ایران به اسم خسرو روزبه بود، نصف خیابانهای ایران به اسم نمی دونم اینها بود. بنابراین به نظر من ریشه نخواستن رژیم شاه، علت العلل اصلی نخواستن رژیم شاه این بودش که استبدادی بود و مردم تصورشون این بود که سال 57 بین اسلامیت و بین ضد استبداديت منافاتی نیست، این حکومت اسلامی این جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی همه چیزهایی که اینا آرزوشو داشتند به خاطرش 5 هزار نفر رفتند و افتادند تو زندان مبارزه کردند و غیره اینا رو تحقق می بخشد.

دکتر بیگدلی:

 بسیار متشکر آقای دکتر. ببخشید آقای غلامی خیلی فرصت نیست.

دکتر غلامی:

 اول اینکه همه اینها زحمت کشیدند، تلاش کردند اما وجه من و سوالم اینه که چرا همه این کسانی که تلاش کردند از سال 32 اومدند، نشد، فقط امام شد، امام وجه ممیّزه اش این بود که امام اسلام می گفت، اونا اسلام نمی گفتند؛ پس مردم به دنبال اسلام بودند. یکی از حرفای عجیب آقای دکتر، این اجتهاد در مقابل نصّ است. امام می گن من اعلام خطر می کنم، اسلام در خطر است، می خواهند ریشه اسلام را بزنند، ایشون می گن که اگرچه امام اینو می گفت، ولی اینو می گفت که علماء بیان، مردم بیان. این یعنی امام می پیچوند مردم را! آخه این چه حرفیه که تصریح امام به اینکه محوریّت انقلاب با اسلام رو بگذاریم کنار، بگیم که به نظر ما امام این رو گفت که علماء تحریک بشند! اینو گفت که مردم تحریک بشن! مگه شدند؟ گفتم كه همه چي 3 سال بعد خوابيد. امام خودش دارد تصریح می کند، ما حرف صریح طرف رو گذاشتیم کنار،همون اتفاقات برنامه‌هاي قبل، می گیم نظر ما این است، به نظر من البته نظر من که می گم شنونده ها نظر بدهند که آیا این علمی هست یا نیست که اینجوری اجتهاد بکنیم در مقابل نصّ. اما عرض من اینه که ما چقدر داریم با هم دعوا می کنیم سر اختلاف در حوزه اسلام که اسلام یعنی چی؟ من عرض می کنم اسلام به عنوان دین جامعي كه قرار است تمام نیازهای فردی و اجتماعی ما رو در قالبی به نام فقه الی یوم القیامه جواب بدهد، استبدادستیز هست، استبعمارستیز هست، آزادی بیان بیار هست و .... همه اینا هست. امام با علم به اینکه اون چیزهایی که مطالبات مردم است؛(من اینجا رو با آقای دکتر موافقم) آزادی بیان، آزادی مطبوعات و .... مردم می خواستند. امام اینا رو گرفت اما یه چیزی رو روح حاكم بر این کرد که این مردم با گوشت و پوست و خونشون ممزوج شده بود؛ اون اسلام خواهی بود که تو ذاتشون بود. حالا تو ذات اینا در دوره ی رضا شاه بود، كشف حجاب شد، از زیر زمین باهم ارتباط برقرار می کردند؛ تو ذاتشون بود اما این قدر قوی نبود که رضا شاه رو بکشن پایین سال 43 تو ذاتشون بود اما این قدر قوی نبود که محمدرضا رو بکشن پایین، اما امام اینو گرفت سال 57-56 که این تمایل ذاتی به اوج خودش رسید، از اون ور گزاره هایی که من قبولش دارم، دیکتاتوری، زندانی کردن، .... به اوج خودش رسيد،اينا با هم جمع شد، امام از جمع اینها با هم انقلاب خودشو به پیروزی رساند. اميدوارم 2 دقيقه بيشتر نشده باشه.

دكتر بيگدلي: نه، 2 دقيقه و 20 ثانيه شد. خوب آقاي دكتر، كار به پايان نرسيد و بحث، به عرض شما برسانم، باقي موند و بحث منقح مي شد، بد نبود. انشاالله موفق و مويد باشيد. از همه شنوندگان عزيز ميخوايم كه هفته‌هاي بعد هم با ما باشند و بحث رو پيگيري بفرمايند. متشكر و خدا نگهدار.